۴.عین حقوقی

اساساً کلماتی که ما به کار می بریم، در آن بستری که به کار می بریم، رنگِ تحیّث به آن حیث بستر را پیدا می کند.

کاربردهای مفهوم عین

الان در فقه وقتی شما می گویید ملک و عین و منفعت و انتفاع؛ عین، عین حقوقی است و عین حقوقی فرق دارد با عین در -مثلاً- فضای فلسفه، در فضای منطق، در فضای لغت و سایر چیزها؛

عین منطقی/فلسفی ≠ ذهن

شما وقتی در منطق می گویید عین، می گویید «ذهن و عین» یا در فلسفه می گویید «ذهن و عین»، آن جا عین یعنی بیرون از حوزه ی ادراک و حوزه درک ذهن؛ یک معنای خاص خودش را دارد. می گویید ذهن و عین، بالمُقابله. کاری به آن جا نداریم. آن جا هم خودش ظرافت کاری دارد.

عین فقهی

اما وقتی در فقه می گویید عین،

عین ≠ ذمه

مقابل ذمّه است.

عین≠ متنجس

 ای در بحث طهارت و نجاست وقتی می گویید عین نجاست، مقابل متنجّس است. وقتی در طهارت و نجاست «عین» می گویید، اصلاً مقصوداتان از عین، مقابل ذهن نیست و اصلاً مقصوداتان، مقابل ذمه نیست. نه، آن جا که می گویید عین یعنی در مقابل متنجس. «عینِ نجس است»، در مقابلش متنجس است. «الاشیاء تعرف بمُقابلاتها». این حیثیات خیلی مهم است.

عین ≠ منفعت

 در مانحن فیه، وقتی می گوییم عین در آن بستری که مقابل منفعت قرار می گیرد، مقصود از عین چیست؟ عین، منفعت و انتفاع . یعنی هر چیزی که منفعت نیستي ای نه، یک قیود دیگری هم دارد؟

مثلاً نور آفتاب، منفعت دارد، عین هم دارد. درفقه از آن بحث می کنید ای نه؟ می‌گویید نور آفتاب: عینش، منفعتش. ای «هوا»: عین هوا، منفعت هوا. می گویید ای نه؟ در فقه شما کجا با آن کار دارید؟ مثلاً کجا می‌گویید؟

مقوّم عین حقوقی: تزاحم در انتفاع

عین در فضای فقه که می گویی او مالک عین است، نه مالک منفعت؛ اینجا یک عنصرحقوقی و در دارِتزاحم و انتفاع مطرح میشود. اگر رفتی سراغ چیزی که عین فلسفی است، اما اساساً تزاحمی در آن نیست. تزاحم که نشد، حقوق با آن کار ندارد. چرا هوا را عین نمی گویی؟ چون در انتفاعش تزاحم نیست. حال آمد و یک جا تزاحم شد، یعنی در سالنی رفتی، الان اگر همه بخواهند نفس بکشند، باید این هوا را ذخیره کنند و در کپسول کنند. حال شد عین، حال منفعت، حال پول، حال اجاره، حال هوا دیگر خرید و فروش می شود. پس قوام عین حقوقی به تزاحم در انتفاع است.

آن چیزی که الان منظور من است، این است که صبغه حقوقیت، یک عنصر بسیار دقیق است. حال بعداً وقتی این تذکر را دادم، با آن انس گرفتید، ذهنتان این ها را جدا میکند. یعنی ما یک عناصری داریم حقوقی، یک عناصری داریم فیزیکی، یک عناصری داریم فلسفی. در هر بستری که یک عنصری مطرح است به قوامِ آن بستر، آن عنصر معنای خودش را پیدا می کند.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مارس 2025 12:30:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مارس 2025 12:31:37 توسط ... .